

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

همانطور که عرض کردیم مشهور فقهاء ایصال غبار غلیظ به حلق را یکی از مفطرات صوم حساب کرده اند و این مطلب از مختصات فقه امامیه می باشد. دیروز تا حدودی اقوال فقها را عرض کردیم، محمد جواد مغنیه در ص ۱۵۴ از کتاب الفقه علی المذاهب الخمسة در عداد مفطرات گفته است: «السابع: الغبار الغلیظ عند الامامية خاصة فإنهم قالوا إذا وصل الغبار الى الجوف كالدقيق ونحوه فسد الصوم».

اما بحث در دلیل این اقوال بود و عرض کردیم که خبر اول از باب ۲۲ از ابواب ما یمسک عنه الصائم که در ص ۴۸ از جلد ۷ وسائل و سائل ۲۰ جلدی واقع شده است دلیل این مطلب می باشد، خبر این است «محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن الحسن الصفار، عن محمد بن عیسی، عن سلیمان بن جعفر (حفص) المروزی قال: سمعته يقول: اذا تمضمض الصائم فی شهر رمضان أو استنشق متعمداً أو شم رائحة غلیظة أو کنس بیتا فدخل فی انفه و حلقة غبار فعلیه صوم شهرین متتابعین، فإن ذلك له مفطر مثل الأكل و الشرب و النکاح». گفتیم از چند جهت درباره این خبر بحث شده است، بحث اول در سندش است که صاحب مدارک در این باره گفته است: فی سنده عدة مجاهیل ولی ظاهراً غیر از سلیمان بن حفص مروزی کسی که قابل بحث باشد وجود ندارد و بقیه همه خوب هستند، آقای خوئی فرمودند که چون سلیمان در سلسله سندهای کامل الزیارات قرار دارد فلذا موثق است ولی ما گفتیم که قرار داشتن در سلسله سندهای کامل الزیارات در حصول وثوق موثر نمی باشد البته ظاهراً آقای خوئی بعدها از این مبنای خودشان برگشته اند، ما عرض کردیم درست است که سلیمان توثیق نشده است ولی این خبر مورد عمل مشهور فقهای ما می باشد و غیر از این خبر هیچ دلیلی برای این مسئله وجود ندارد بنابراین طبق مبنای ما که گفتیم عمل مشهور ضعف سند را جبران می کند دیگر در سند روایت بحثی وجود ندارد. دومین اشکالی که به این روایت شده این است که این خبر مضمرة می باشد چون سلیمان در آن گفته است سمعته يقول و دیگر نگفته که مرادش کدام امام می باشد، جواب این اشکال هم این است که این قبیل از روایات گاهی چند مطلب را از امام می شنیدند که هر کدام از آنها به یک بابی مربوط بوده است از این جهت خبر را قطعه قطعه می کردند و هر قسمت را در باب مناسب خودش ذکر می کردند و از این قبیل سألته و سمعته زیاد وجود دارد فلذا نمی توان گفت که

روایت از این جهت مشکل دارد. مناقشه سومی که به این روایت شده است این است که این خبر مشتمل بر مطالبی است که لا تقول به أحد، مثلاً در اول روایت گفته شده که تمضمض و استنشاق و بوئیدن رائحة غلیظة موجب بطلان صوم می شود در حالی که این طور نیست پس خبر مشتمل است بر علی ما لا تقول به أحد من الخاصة، در جواب عرض می کنیم که اگر خبری مشتمل بر چند مطلب باشد و بعضی از مطالب آن با خبر اقوی و أدل معارض باشد و مورد قبول نباشد دلیل بر این نیست که جملات دیگر آن خبر هم از حجیت بیافتند. چهارمین اشکالی که بر این روایت وارد است این است که این خبر با اخباری که بر حصر دلالت دارند معارض می باشد یعنی ما در باب اول از ابواب ما یمسک عنه الصائم داریم که فقط سه الی چهار چیز مفطر صوم می باشد و دیگر اسمی از غبار برده نشده است، در جواب عرض می کنیم که حصر در آن روایات حصر حقیقی نمی باشد زیرا ما قائل نیستیم که مفطرات محصور در آن سه یا چهار چیز هستند.

پنجمین اشکال این است که این خبر با خبر دوم از همین باب معارض است و خبر دوم باب این خبر است: «و باسناده عن احمد بن الحسن بن علی بن فضال، عن عمرو بن سعید، عن الرضا(ع) قال: سألته عن الصائم یتدخن بعود أو بغير ذلك فتدخل الخنة فی حلقه؟ فقال: جائز لا بأس به، قال: و سألته عن الصادم یدخل الغبار فی حلقه؟ قال: لا بأس به». همانطور که می بینید در این خبر بر خلاف خبر اول گفته شده است ادخال غبار در حلق اشکالی ندارد، در جواب عرض می کنیم که ما خبر اول را قبول کردیم چون مورد عمل فقها می باشد ولی در سند خبر دوم دو اشکال وجود دارد اول اینکه اسناد و طریق شیخ طوسی به احمد بن حسن علی بن فضال ضعیف می باشد و معلوم است که خبر ضعیفی که دارای شرایط حجیت نیست نمی تواند با آن خبر اول تعارض کند، اشکال دوم این است که این خبر معارض عنه می باشد و مشهور به آن عمل نکرده اند. بعضیها گفته اند که این خبر و خبر اول با اطلاق و تقیید با هم جمع می شوند و گفته اند که خبر دوم مطلق است ولی خبر اول متعمداً و کنس بیتاً را دارد یعنی در ظاهرش تعمد را دارد بنابراین جمع بین این دو روایت به این صورت می شود که بگوئیم آن غباری که تعمداً داخل حلق شود موجب بطلان صوم می شود.

حالا می خواهیم ببینیم که آیا قید غلیظ هم اعتبار دارد یا نه؟ در اقوالی که قبلاً از فقها خواندیم قید غلیظ وجود نداشت بلکه آنها فقط گفته بودند ایصال غبار به حلق موجب بطلان صوم می شود، شهید ثانی در ص ۱۷ از جلد ۲ مسالک طبع جدید فرموده بعضی از اصحاب ما

فرماید که ایصال غبار صوم را باطل می کند و همین طور شیخ مفید هم همین را می فرماید بنابراین وقتی این اعلام بزرگوار اسلام درباره مطلبی فتوی داده اند لابد خبری از اهل بیت (ع) به آنها رسیده بوده که چنین فتوایی را داده اند فلذا ما نمی توانیم خلاف آنها مثل نراقی بگوئیم که غبار روزه را باطل نمی کند ، بنابراین غبار روزه را باطل می کند منتهی به شرطی که اولاً تعمداً داخل حلق شود و ثانیاً عرفاً غبار غلیظ باشد و إلا اگر رقیق باشد همه روزه ها باطل می شود ، و اگر عمداً صوم باطل شود هم قضا و هم کفاره دارد إلا ما خرج بالدلیل .

خوب حالامی رویم سراغ بجار و دخان صاحب عروۃ بخار و دخان را ملحق به غبار کرده است و گفته آقای این است که بخار و دخان حکم غبار را دارند ، محشین عروۃ من جمله حضرت امام اعلی الله مقامه گفته اند که آقای این نیست بلکه أحوط الحاق بخار و دخان به غبار می باشد . آقای خوئی در مستند العروۃ می فرمایند که استعمال دخان اشکالی ندارد چون ما دلیلی بر بطلان صوم توسط دخان نداریم . مرحوم نراقی در ص ۲۳۰ از جلد ۱۰ مستند الشیعه می فرماید که اجتناب از دخان مستحب است و بعضی ها هم گفته اند که الآن عربها به دخان شرب می گویند مثلاً می گویند شرب تنباکو و در مشروب هم بحث شد که مبطل است و این هم شرب است فلذا مبطل می باشد ولی ما در جواب این ها عرض می کنیم که این اصطلاح شرب تنباکو حادث است و بعداً بوجود آمده و در زمان اهل بیت (ع) کسی نمی گفته شرب تنباکو و ما هم تابع اصطلاحات اخبار اهل بیت (ع) هستیم .

اما بنده معتقد هستم که بخار اگر زیاد باشد و میدل به مایع شود جزء شرب قرار می گیرد و معلوم است که صوم را باطل می کند ولی اگر کم باشد اشکالی ندارد و اما از دخان مثل سیگار و غیره هم طبق نظر بنده باید اجتناب کرد چون در میان متشرعه عرفاً به کسی صائم می گویند که دهانش را از استعمال دخانیات ببندد و اگر کسی این کار را نکند می گویند که روزه نیست پس این ارتکازات متشرعه بیخود بوجود نیامده است بلکه بالاخره به اهل بیت (ع) منتهی می شود و در فقه اهل بیت (ع) وارد شده که شخص روزه دار باید دهانش بسته باشد بنابراین لو لم یکن الأقوی أحوط این است که شخص صائم باید از استعمال دخانیات اجتناب کند ....

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد واله الطاهرین

گفته اند که غبار باید غلیظ باشد در حالی که ما در روایاتمان کلمه غلیظ نداریم بعد ایشان می فرمایند أجدود این است که قید غلیظ معتبر نیست و در شرح لمعه هم ایشان با قاطعیت فرموده اند که لازم نیست غبار غلیظ باشد ایشان در آنجا به کسانی که می گویند غبار باید غلیظ باشد اشکال کرده و فرموده اگر غبار غلیظ داخل دهان شود کم کم تبدیل به یک چیز خوردنی می شود و هر خوردنی را که انسان قورت بدهد روزه اش باطل می شود یعنی در واقع ملحق به مأكول می شود فلذا ما باید مطلق غبار را مبطل صوم بدانیم و به همین دلیل ایشان در مسالک می فرمایند که أجدود این است که مطلق غبار صوم را باطل می کند زیرا غبار غلیظ نوعی از خوردنی هاست هرچند که غیر متعارف می باشد ، ما عرض می کنیم که اگر قرار باشد که مطلق غبار صوم را باطل کند پس روزه همه ما به راحتی باطل می شود مگر اینکه برویم در پشت کوهی یا جایی که هوا بسیار صاف است و باد هم نمی آید تا بتوانیم زندگی کنیم و روزه بگیریم چرا که نوعاً ما در شهرها و جاهایی زندگی می کنیم که ذرات گرد و غبار و دود در هوا پراکنده است ، بنابراین عرفاً اگر غبار غلیظی وجود داشته باشد انسان باید از آن تحفظ کند . مرحوم نراقی در مستند الشیعه گفته است که اصلاً غبار مبطل صوم نمی باشد پس در واقع در اینجا چند قول بوجود می آید ؛ اول اینکه غباری که عرفاً غلیظ است مبطل صوم است و قضا و کفاره هم دارد که قول مشهور همین است ، قول دوم قول این ادریس است که می گوید قضا دارد ولی کفاره ندارد و قول سوم قول نراقی در مستند الشیعه می باشد که اصلاً غبار را مبطل صوم نمی داند ایشان در ص ۲۲۷ و ص ۲۹۸ از جلد ۱۰ مستند الشیعه این بحث را مطرح کرده اند ، ایشان اول روایت مروزی را قبول نکرده و اشکالاتی به آن وارد کرده و در پایان هم خلافاً للمشهور قائل شده است که مطلقاً غبار موجب بطلان صوم نمی شود و بعد در ص ۲۹۸ اجتناب از غبار را جزء مستحبات شمرده است . بنده عرض می کنم که ما دو جور فقه داریم یکی فقه نراقی و صاحب مدارک و شهید ثانی و آقای خوئی رحمه الله علیهم می باشد که اینها در روایات بحث می کنند و مناقشه می کنند اگر سند روایت مورد قبولشان واقع نشود خلاف مشهور فتوی می دهند ، و مایک فقه دیگر هم داریم که فقه آیت الله بروجردی اعلی الله مقامه می باشد و آن این است که اگر شیخ طوسی و شیخ مفید و شیخ صدوق و امثال اینها یک مطلبی را در کتابهایشان ذکر کرده باشند و روایات را هم ذکر کرده باشند و فتوی هم داده باشند صرف نظر کردن از آنها بسیار مشکل است و در مانحن فیه هم شیخ طوسی در تمامی کتابهایش می